

## در آرزوی پایداری اقتصاد تهران

اقتصاد تهران نیازمند منابع درآمدی جدید و تأمین منابع مالی است. مجلس، دولت، بانک مرکزی و شورای بورس و اوراق بهادار می‌توانند کمک کنند.



اندک تخصیص یافته دولت به شهرداری، با چالش‌هایی رویه‌رو است که مهمترین تأثیرات منفی آن در بخش حمل‌ونقل عمومی و ترافیک جلوه می‌نماید.

براساس گزارش تفریح بودجه سال ۸۶ شهرداری تهران، جمع هزینه‌های حمل‌ونقل شهرداری، معادل ۳۱۵ هزار و ۶۲۰ میلیون ریال اعلام شده که تأمین بخش عمده آن بر دوش شهرداری بوده است. علاوه بر آن، هزینه‌های عمرانی شهر را هم - که بر اساس آخرین گزارش منتشره از سوی شهرداری متبقی به ۳۱ مرداد ۸۷ معادل ۸۵۹ میلیارد ریال بوده است - باید در کنار صور گوناگون هزینه‌ای شهرداری قرار داد.

شایان ذکر است که بر اساس پیش‌بینی واحد تحقیقات «اقتصاد ایران»، هزینه عمرانی نگهداری شهر تهران، تا پایان سال جاری با ۵۹ درصد افزایش نسبت به سال گذشته به رقمی در حدود ۶ هزار و ۲۵۶ میلیارد ریال خواهد رسید که با جمع‌بندی مطالب مذکور، لزوم پایداری درآمدهای شهرداری برای توسعه عمران شهری که بخش مهمی از آن مربوط به دریافت کمک مالی از سوی دولت می‌باشد، بیش از پیش اهمیت می‌یابد.

### ورقه‌های پول آفرین

متأسفانه مشکلات کوچک و بزرگ حال حاضر نظام بانکی هم، عرصه را برای تأمین منابع مالی لازم شهرداری تنگ کرده است، به طوری که عدم کارآمدی نظام بانکی کشور سبب شده تا شهرداری برای رفع مشکلات مربوط به تأمین حوزه مالی خود، بحث تأسیس بانک شهری را مطرح نماید. در این میان، فقدان پویایی بازار سرمایه را نباید از یاد برد که خود عامل مضاعفی برای تأسیس بانک شهری است. به طور حتم اگر بازارهای

سهیم شدن در درآمدها (Revenue Sharing) - به عهده دولت خواهد بود، اما متأسفانه در قانون‌گذاری‌ها و روش‌های ۳۰ ساله پس از انقلاب به این مسایل و مقوله‌ها توجه کافی نشده است. توسعه سرانه فضای سبز، گسترش کتابخانه‌ها و فرهنگسراها و موارد بسیار دیگری از این قبیل که نیازمند هزینه‌های به نسبت زیادی هستند و عموماً از طرف بخش خصوصی ارایه نمی‌شوند، در بیلان حساب سود و زیان خود منبع درآمدی قابل‌ذکری ندارند. همین مسأله سبب شده تا شهرداری در راستای تأمین مخارج خود به بازارهایی رو بیاورد که فاقد مطلوبیت شهری می‌باشند. علاوه بر این، فقدان امنیت در سبب درآمدی شهرداری، نقش پایداری درآمدهای شهرداری را از بین برده است، به طوری که براساس ارقام مندرج در تفریح بودجه سال ۸۶ شهر تهران، رقمی در حدود ۲۳ هزار میلیارد ریال از کل درآمدهای شهرداری که معادل ۲۸ هزار میلیارد ریال بوده است، تنها از بخش عوارض ساختمان‌ها و اراضی کسب گردیده که نوسان و رونق و رکود در این بخش همواره درآمدهای شهرداری را نیز با نوسان رویه‌رو کرده و ناپایداری آن را افزایش داده است.

### قلک نفتی دولت

در حال حاضر، تأمین مخارج شهرداری از سوی دولت، تنها ۵ درصد هزینه‌های شهرداری تهران را پوشش می‌دهد و این در حالی است که در سایر کلان‌شهرهای دنیا، بودجه اختصاصی دولت به شهرداری، رقمی در حدود ۳۰ درصد هزینه‌های شهرداری را شامل می‌شود. مطلب ناامیدکننده‌تر آن بوده که دریافت همین مبلغ

سکونت ۱۱ درصد جمعیت کشور در تهران، تبعات مثبت و منفی بسیاری را برای این کلان‌شهر به همراه داشته است، به طوری که براساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۸۵ تراکم جمعیتی شهر تهران، رقمی بالغ بر ۷۱۳ نفر در هر کیلومتر مربع بوده که بی‌شک در ۳ سال اخیر با رشد شهرنشینی در کنار افزایش نرخ جمعیت، این رقم افزایش یافته است و این در حالی است که تراکم جمعیتی در دیگر کلان‌شهرها نظیر اصفهان، تنها رقمی بین ۴۱ تا ۷۰ نفر می‌باشد. بر این اساس، ارایه خدمات شهری و البته نحوه ارتقای کیفی و کمی آن از مسایل چالش‌انگیزی است که نقش شهرداری تهران را بیش از پیش پررنگ جلوه می‌دهد.

به طور حتم، ارایه خدمات باکیفیت شهری در حوزه زیرساخت‌ها، کالاهای عمومی و نیمه‌عمومی و نظایر آن، نقش مؤثری در رشد اقتصاد شهری و به تبع آن ملی خواهد داشت که البته ارایه چنین خدماتی که عملاً فاقد توجیه اقتصادی برای بخش خصوصی هستند، به عهده دولت و شهرداری است، اما متأسفانه نظام درآمدی شهرداری پایدار نبوده و به عبارت دیگر کهنه است و به همین دلیل همواره دست شهرداری به سوی دولت دراز بوده است. بدتر آن که شهرداری تهران، فراتر از منبع درآمدی پایدار (مثل سایر شهرداری‌های دنیا) نیازمند "تأمین مالی" (در حد یک تا ۲ ساله) است، چراکه نظام ناکارآمد بانکی و بازار اوراق بهادار کشورمان هیچ خدمتی را به شهرداری در این مورد ارایه نمی‌کنند. لذا شهرداری (به دلایل مختلف) به دنبال "نوآوری‌های غلط" مانند "فروش تراکم" می‌رود که خود تعجب‌برانگیز است و نظام سنتی و پیچیده تهران را پیچیده‌تر می‌کند که محصل این موارد، هزاران مشکل در کوچه پس‌کوچه‌ها و خیابان‌ها و میدان‌های تهران ایجاد می‌کند.

ناگفته نماند که البته شاید مردم هم افزایش هرگونه مالیات و یا "خودیاری‌ها" را فشارهای ناعادلانه‌ای تفسیر می‌کنند و انتظار دارند دولت مرکزی از "پول نفت" برایشان در شهر و کوچه و بزن خرج کند و این هم بدان دلیل است که حسابداری درآمد نفت کاملاً شفاف نیست و متأسفانه این انتظار هیچ‌وقت رفع و رجوع نمی‌شود و به قوت خود باقی می‌ماند. در نتیجه، به جای "درآمدهای پایدار" مواجه با "انتظارات پایدار" هستیم! البته همچون آنچه در دنیا رایج است، تأمین بخشی از هزینه‌های شهری - از طریق

### نمونه ساختار درآمدی یک شهر جهانی (نیویورک)

منبع	میزان درآمد*	سهم (درصد)
مالیات بر مستغلات	۱۶,۲۵۱	۲۷
سایر مالیات‌ها (بر فروش و بر درآمد)	۱۹,۰۵۹	۳۲
سایر درآمدها (از جمله توریسم)	۵,۹۷۳	۱۰
کمک مالی دولت	۶,۶۰۰	۱۱
کمک مالی ایالت	۱۱,۵۱۲	۱۹
جمع	۵۹,۳۹۵	۱۰۰

\* برحسب میلیون دلار

استخراج: ماهنامه «اقتصاد ایران» از پیش‌بینی بودجه شهر نیویورک (۲۰۱۰)



اولیه و ثانویه سرمایه در کنار نظام بانکداری

کشور، به نحوی مؤثر و کارآمد عمل می‌نمودند، الان کلان‌شهرهای کشور و به خصوص تهران با این هجمه مشکلات مالی روبه‌رو نبودند. بر این اساس تسهیل و رفع موانع موجود در نظام بانکی کشور برای پرداخت تسهیلات مورد نیاز شهرداری‌ها یک الزام محسوب می‌شود. به علاوه و در حال حاضر، شهرداری‌های کلان‌شهرهای دنیا، علاوه بر صور گوناگون درآمدی خود، با انتشار "اوراق شهرداری" به تأمین مالی پروژه‌های شهری می‌پردازند که شهرداری تهران نیز می‌تواند از آن تبعیت نماید. مهمتر آن که بر اساس قانون بازار اوراق بهادار (مصوب ۱۳۸۴) شورای بورس و اوراق بهادار اختیار دارد و موظف است اوراق جدیدی را ابداع و تأیید کند، ولی تا به حال این شورا و سازمان مربوطه هیچ توجیهی به "اوراق بهادار

شهرداری‌ها" نکرده‌اند.

از سوی دیگر، تقریباً تمام پایتخت‌های سیاسی یا اقتصادی کشورهای جهان مرکز توزیع و محل رفت‌وآمد تجار و شرکت‌های بین‌المللی هستند که متأسفانه تهران در این باره نیز جاذبه خاصی نداشته و این به پایداری درآمدهای مهمترین کلان‌شهر کشور لطمه می‌زند و حتی درآمد شهروندانش را نیز به ناپایداری می‌کشاند. کار در تهران زیاد داریم! از جایی باید شروع کرد. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران» را در رابطه با "مدیریت درآمدی اقتصاد تهران" در صفحات ۳۰ - ۳۳ می‌خوانیم.

## هدفمندی یارانه‌ها و صنعت ایران

### پادزهر یا زهر؟!



#### تحلیل مهندس عبدالمهدی اجالی، چهره ماندگار صنعت ایران، از اثرات هدفمند شدن یارانه‌ها بر صنایع و واحدهای تولیدی کشور

بی‌پاسخ مانده، این است که دولت به کدام یک از تعهدات خود در قبال صنعت، نظیر ایجاد زیرساخت‌های لازم در شهرک‌های صنعتی، جوایز صادراتی، حمایت از تولید داخلی در قبال واردات بی‌رویه کالای بدون کیفیت، حمایت مصرف‌کننده در قبال آسیب‌های ناشی از کالای تولیدی شرکت‌های دولتی و شبه دولتی، ایجاد زمینه رقابت سالم برای تولید کالای با کیفیت و حمایت از حقوق مالکیت معنوی، به موقع و صحیح عمل کرده است؟ نکته قابل ذکر این است که اساساً باید مکانیزمی طراحی شود که یارانه به تولید تعلق بگیرد نه به مصرف! لذا تا این هرم وارونه است، وضع اصلاح نخواهد شد.

#### دردهای یارانه نقدی

اولین تبعات توزیع نقدی یارانه‌ها، افزایش توقع عمومی از دولت است و در درازمدت، دولت نمی‌تواند به سادگی از زیر بار آن شانه خالی کند. اقتصاد کشور، بیمار و ناتوان است؛ بیمار است برای این که با عارضه‌هایی نظیر نرخ تورم بالا، بیکاری، نظام پولی و بانکی ناکارآمد و بهره‌وری پایین، دست به گریبان است و ناتوان است چون تولید داخلی در مقابل واردات بی‌رویه کالا، خلع سلاح شده است. به همین دلیل صنایع کشور مجبورند با ظرفیت بسیار پایین‌تر از ظرفیت اسمی و توان واقعی خود کار کنند. در صورتی که این بیماری عارضه‌یابی و مداوا شود، شرکت‌ها نه تنها برای پاسخگویی نیازها مجبور به توسعه صنایع و محصولات خواهند شد، بلکه اشتغال و بهره‌وری نیز بالا خواهد رفت. ولی اجرای این لایحه، علاوه بر تبعات تورمی و افزایش کاذب قیمت‌ها، سبب کاهش بهره‌وری و از بین رفتن ارزش کار و کارآفرینی در کشور خواهد شد که خسارت آن به اقتصاد کشور جبران‌ناپذیر است.

#### خاری در پای صنعت

متأسفانه صنعت تاکنون شاهد سیاست‌های حمایتی ثابت و قابل اتکایی نبوده است. همان‌گونه که برای تولید یک کالای صنعتی از ابتدای سرمایه‌گذاری تا رسیدن به تولید انبوه و سودآوری چندین سال وقت لازم است، سیاست‌های حمایتی - نه سیاست‌های ایجاد رانت

با نگاهی به اهداف و ضرورت‌های کشور در سال‌های اخیر باید گفت برنامه‌ریزی‌های راهبردی کشور در اغلب اوقات، متناسب با بستریهای اقتصادی و سیاسی موجود، واقع‌بینانه طراحی نشده‌اند. به همین دلیل، بسیاری از مشکلات و معضلات علیرغم برنامه‌ریزی‌ها و کارشناسی‌های صورت گرفته، همچنان پابرجا هستند. به عنوان نمونه، قانون مالیات بر ارزش افزوده که اکنون به یک شیر بی‌یال و دم و اشکم بدل شده است و فشار مضاعفی را فقط بر واحدهای تولیدی اعمال می‌کند و با هدف اصلی قانون که همان شناسایی مؤدیان جدید و کاهش بار مالیاتی بر تولید بود بسیار متفاوت است.

#### اجرای هدفمندی یا کل طرح تحول؟

بر این اساس، انجام طرح هدفمند کردن یارانه‌ها به خودی خود، نه تنها به سود تولید نخواهد بود بلکه کل اقتصاد را تحت تأثیر قرار خواهد داد. به عنوان نمونه، کاهش بهره‌وری نیروی کار یکی از نتایج این طرح در صنعت است که کمتر به آن توجه می‌شود و در نتیجه آزدسازی قیمت‌ها، قیمت تمام شده کالاها و خدمات مصرفی هم بالاتر رفته و پرداخت نقدی نمی‌تواند جبران کم‌کاری نیروی انسانی را بنماید. بدین ترتیب از دیدگاه بخش صنعت به عنوان محور توسعه اقتصادی کشور، این طرح تنها در صورتی که با یک رویکرد همه‌جانبه انجام شود، برای بهبود اقتصاد کشور مثبت خواهد بود. در غیر این صورت، در یک چرخه معیوب، همچنان شاهد توسعه بی‌رویه واردات و استضعاف بخش مولد کشور خواهیم بود. علاوه بر این باید به این نکته توجه کرد که هدفمندی یارانه‌ها بخشی از طرح تحول اقتصادی است که دولت در سال گذشته ارایه کرد و نمی‌توان بخشی از این طرح بزرگ را جدا مورد بررسی قرار داد. مثلاً نباید اصلاح نظام مالیاتی کشور را که شامل شفاف‌سازی مالیاتی و نظام مالیاتی فراگیر بود، فراموش کرد. به جای پرسشنامه‌هایی که به انعان خود مسؤولان امر تا حدود زیادی قرین صحت نبوده است، می‌شد بر اساس طرح نظام فراگیر، کلیه مؤدیان را - من جمله افرادی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند - شناسایی کرده و به کمک یک سامانه اطلاعاتی به روز و کارآمد، به خوبی صحت و سقم اطلاعات افراد را در کوتاه‌مدت مشخص کرد. در واقع با اصلاح ساختار نظام بانکی و پولی، گمرک، نظام توزیع کالا و خدمات و بقیه بسترهای اقتصادی لازم کشور و هدایت آنها به سوی تولید و کارآفرینی، آحاد ملت با مشارکت خود نقش اصلی را در اجرای این طرح به عهده می‌گرفتند. بدون توجه به لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها، سؤالی که سال‌ها است برای صنعتگران